



دکتر عباس بختیاری

درس‌هایی از

ژاپن

دکتر جیل بنجامین انسان
شناس آمریکایی در طول
اقامت یک ساله‌اش در ژاپن،
مدارس این کشور را از نزدیک
مورد مطالعه قرار داده و حاصل
یافته‌ها و مشاهدات خود را
در کتابی به نام «در سه‌پای از
ژاپن» به رشته تحریر در آورده
است.

وی در این کتاب ضمن
بحث در مورد پنج اصل
آموزشی مهم در مدارس اصل
پیشرفت و ارتقای آموزش
آمریکا ضروری دانسته است.
انسان شناس آمریکایی این
قالب سخنرانی در یک مؤسسه
بین‌المللی ارائه شده است رادر
زیر می‌خوانید.

بلکه تکالیف مفصلی برای معلمان و دانش آموزان تدارک دیده است. به طوری که آنها گاهی از سخت بودن این تکالیف گله می‌کنند. این برنامه هر آنچه را که برجسته‌ترین دانش آموزان بدان نیاز دارند، در اختیار آنان می‌گذارد؛ اما در عین حال برای کندترین شاگردان، رسیدن به تمامی هدف‌های آن ممکن نیست.

این برنامه درسی دربردارنده راه کارهایی برای فعالیت‌های غیر درسی دانش آموزان نیز هست. مثلاً این که ساعت نهار در مدارس چگونه باید برگزار شود، برنامه نظافت روزانه مدرسه به چه ترتیب باشد، فعالیت‌های «روز هنر» با «روز ورزش» چگونه باشد، مسافرت‌های کوتاه سالانه چطور برگزار شود (از آنجا که در مدارس ژاپن، سرایدار وجود ندارد، پاکیزه نگه داشتن کلاس‌ها، راهروها و سرویس‌های بهداشتی و زمین‌های بازی بر عهده دانش آموزان است).

این برابری و مساوات بین دانش آموزان به گونه‌ای است که مثلاً اگر دانش آموزان محله‌های بسیار ثروتمند و سطح بالای توکیو به سفری چهار

به گونه‌ای تنظیم شده که هزینه آموزش کودکان ژاپنی، در تمامی شهرها و روستاهای این کشور، یکسان باشد. به طوری که اگر مناطقی از شهرها یا ایالت‌های ثروتمند بخواهند هزینه‌های آموزشی خود را افزایش دهند، باید هزینه‌های آموزشی، تک تک مدارس کشور را افزایش داده و بار مالیاتی ناشی از آن را نیز متحمل شوند.

ژاپنی‌ها عقیده دارند همانطور که منابع آموزشی برای کودکان یکسان است، تجربه‌هایی هم که دانش آموزان در مدرسه کسب می‌کنند، باید مثل هم باشد. این عقیده ناشی از این دیدگاه است که تجربه‌ها تأثیرهای بلندمدت دارند و یک تجربه استاندارد تأثیر مشابهی در بیشتر کودکان ایجاد می‌کند. ژاپنی‌ها اعتقاد دارند که برای رشد افراد، تجربه مهم‌تر از تفاوت‌های ذاتی است.

نخستین و مهم‌ترین عنصر سیاست استانداردسازی، همان برنامه درسی ملی است که وزارت آموزش و پرورش ژاپن هر ساله راهنماهای مفصلی برای آن تهیه می‌کند. ابعاد این برنامه درسی به هیچ‌روی موجز و مختصر شده نیست،

۱- تأکید بر رشد اجتماعی

همه ما می‌دانیم که در مدرسه فقط دروس علمی آموخته نمی‌شود. دانش آموزان ژاپنی در مدرسه تضادی را که در زندگی اجتماعی وجود دارد می‌آموزند: زندگی اجتماعی ایجاب می‌کند که هر کس جنبه‌هایی از فردیت خود را به منظور برآوردن خواسته‌های گروه اجتماعی زیر پا بگذارد. در عین حال هر فرد فقط با عملکرد خود در مقام عضوی از گروه می‌تواند، به زندگی پرمعنا و ارزشمند دست یابد. این شناخت از موقعیت انسان منحصر به ژاپن نیست اما در مقایسه با بسیاری دیگر از ملت‌ها، ژاپنی‌ها هستند که سهم زیادی از آموزش را به این امر اختصاص داده‌اند.

۲- ضابطه مند کردن (استاندارد سازی) فرصت‌های مساوی برای همگان پدید می‌آورد

۹۹ درصد کودکان ژاپنی در مدارس ابتدایی دولتی به تحصیل مشغول هستند. این مدارس را نظام مالیاتی حمایت می‌کند. نظام مالیاتی

دلواپسی برای دانش آموزان به همراه دارد. اما آن حالتی که نظام نمره گذاری در مدارس آمریکایی به وجود آورده، در ژاپن دیده نمی شود. معلمان هم راهبردهایی به کار می گیرند تا سهم خود را در یادگیری کمتر کنند. معلمان ژاپنی از تصحیح پرسش های دانش آموزان با مهارت خودداری کرده و به جای آن سایر دانش آموزان را به تصحیح و ارزیابی همکلاسی های خود ترغیب می کنند. معلمان بحث های کلاس را رهبری و هدایت می کنند اما تقریباً هیچ گاه جمع بندی نهایی را آشکارا از خود بروز نمی دهند. جلسات کلاسی، به طور منظم یا به هنگام لزوم، برای موضوع های درسی برگزار می شود. راه حل از طریق بحث های دانش آموزان بدست می آید، نه از طریق دخالت معلم. بنابراین بدون استفاده آشکارا از اقتدار معلم، درجه ای از اتفاق آرا بین دانش آموزان به دست می آید.

۵- تفریح و شادی ضروری است

شگفت این که به نظر من یکی از دلایل برتری علمی دانش آموزان ژاپنی، نسبت به دانش آموزان آمریکایی این است که ژاپنی ها کوشیده اند، شادی و لذت را با فرآیند یادگیری بیامیزند. استدلال آنها هم این است که وقتی دانش آموزان یاد بگیرند که در فعالیت های غیر درسی با یکدیگر شادی و تفریح کنند، برای درس خواندن با یکدیگر در شرایط رسمی نیز آمادگی پیدا می کنند. مثلاً وقتی همه دانش آموزان برای نظافت سرویس های بهداشتی، دست به کار می شوند، وادار کردن آنان به مشارکت و همکاری با یکدیگر در یک برنامه علمی کاری بسیار ساده است.

در ژاپن کلاس ها به گروه کوچکی تقسیم شده و دانش آموزان هر گروه موظف هستند برای انجام تکالیف و وظایف اجتماعی، انجام آزمایش های علمی و تزئین تابلوهای اعلانات با یکدیگر همکاری کنند. از تمامی دانش آموزان خواسته می شود که در یک یا چند فعالیت که فهرست آن در اختیار آنان قرار دارد، شرکت کنند.

ویژگی مهم محیط آموزشی دوره ابتدایی ژاپن که معمولاً توجه ناظران خارجی را به خود جلب می کند، سرزندگی، شلوغی و جار و جنجال کلاس است. معلمان ژاپنی بر خلاف همکاران خود در سایر کشورها، تلاشی برای ساکت و بی حرکت نگهداشتن دانش آموزان خود صرف نمی کنند. از آنجا که دانش آموز مجاز است با بغل دستی خود صحبت کند، برای تراشیدن مدادش از جابلقا بلند شود یا پرده ها را بکشد. این قبیل کارها، اختلال در نظم کلاس به شمار نمی رود، بنابراین نظم و انضباط تحمیلی نیست؛ در نتیجه کلاس ها نیز شلوغ و پر جار و جنجال است و این امر از نظر معلمان، بی اشکال است.

به گمان من این پنج اصل برای درک آموزش ابتدایی در ژاپن ضروری است و تفاوت تجربه هایی را که دانش آموزان ژاپنی و همپایان شان در سایر کشورها در مدرسه کسب می کنند، تبیین می کند.^۱

مقتدر و هم دانش آموز مطیع را به سوی فساد سوق دهد.

در ژاپن، نمرات مهم نمراتی هستند که دانش آموزان به هنگام ورود به پایه آموزشی بعدی، به دست می آورند، نه مانند آمریکا نمراتی که به هنگام خروج از یک پایه کسب می کنند. نمره و کارنامه در ژاپن نشان دهنده موفقیت دانش آموز می باشند و در جایی که تلاش های بیشتری مورد نیاز است، مورد استفاده قرار می گیرند و فایده دیگری ندارند. هیچ دانش آموزی در ژاپن مردود نمی شود یا پایه ای را تکرار نمی کند، از شرکت در فعالیت ها منع نمی شود و به سبب نمره های امتحانی خود از ادامه تحصیل کنار گذاشته نمی شود. از این رو دشمنی و کینه ای که دانش آموزان آمریکایی نسبت به معلم صاحب اقتدار خود، در دل می پروراندند در بین دانش آموزان ژاپنی رایج نیست، زیرا آنها ناراضی نیستند و دلخوری خود را به سمت «وزارت آموزش و پرورش ملی بد و بزرگ» هدایت می کنند. به نظر دانش آموزان، معلمان فقط به آنان کمک می کنند تا از موانعی که آزمون کننده های ناشناس بر سر راه آنان گذاشته اند، پیروز شوند. در کلاس های درسی ژاپن، تعارض و دشمنی بین معلم و شاگرد وجود ندارد. همین امر باعث ایجاد محیط آموزشی بهتری می شود. البته فرآیند امتحان، نگرانی و

روزه در سواحل دریا بروند، کودکان فقیرترین محله های شهر نیز در همان سال به همان جا سفر می کنند.

۳- آموزش تمامی کودکان با یک روش

در راستای همان دیدگاهی که پیش تر ذکر شد، یعنی این که در آموزش، تجربه از تفاوت های درونی مهم تر است. ژاپنی ها معتقدند: که مدارس دولتی باید تمامی کودکان را صرف نظر از شرایط و زمینه های فردی آنها، به یک روش آموزش دهند. از این رو در مدارس ابتدایی و راهنمایی هیچ گونه تقسیم بندی براساس قوای علمی دانش آموزان یا هر عامل دیگر صورت نمی گیرد. مدارس برجسته و برنامه های تقویتی یا جبرانی در ژاپن وجود ندارد. دانش آموزان در مدرسه به طور مساوی در کلاس ها تقسیم شده اند و در هر کلاس دامنه یکسانی از استعدادها و قابلیت های تحصیلی وجود دارد.

از نظر بسیاری از آمریکایی ها، قرار دادن دانش آموزانی با استعدادها و قابلیت های مختلف در یک کلاس و تدارک برنامه درسی یکسان برای آنها بدون آنکه هیچ تقسیم بندی صورت گیرد، نتیجه ای فاجعه آمیز به بار می آورد. اما بر خلاف انتظار ما عملکرد تحصیلی دانش آموزان دوره ابتدایی ژاپن، چنین است:



نمره های دانش آموزان متوسط ژاپنی در این آزمون ها از نمره های دانش آموزان متوسط آمریکایی بیشتر است و ضعیف ترین دانش آموزان ژاپنی نمراتی به مراتب بالاتر از ضعیف ترین دانش آموزان مدارس آمریکایی دارند.

۴- معلمان مربی اند، نه مستبد

در «نظام آموزشی ژاپن»، معلمان به دانش آموزان نمره مهم یا نمره ای که در زندگی آنان تاثیر بگذارد، نمی دهند. حاصل این روش چیزی جز پویایی تدریس نیست. در آمریکا معلم این قدرت و اختیار را دارد که به دانش آموز نمره ای بدهد که در آینده اش تأثیر بگذارد، به طوری که مثلاً اگر معلم نمره پایینی به دانش آموز بدهد او نمی تواند در هر مدرسه ای که خواهد، نام نویسی کند یا معلم می تواند دانش آموز را مردود کرده و از ارتقا او به کلاس بالاتر جلوگیری کند یا فرصت هایی را که دانش آموز می تواند در مدرسه به آنها دسترسی پیدا کند، محدود سازد. چنین رابطه ای بین معلم و دانش آموز که براساس قدرت استوار است، قابلیت آن را دارد که هم معلم

ژاپنی ها معتقدند که مدارس دولتی باید تمامی کودکان را صرف نظر از شرایط و زمینه های فردی آنها، به یک روش آموزش دهند. از این رو در مدارس ابتدایی و راهنمایی هیچ گونه تقسیم بندی براساس قوای علمی دانش آموزان یا هر عامل دیگر صورت نمی گیرد. مدارس برجسته و برنامه های تقویتی یا جبرانی در ژاپن وجود ندارد

۱- برگرفته از:

Gail R. Benjamin. (۱۹۹۷) Japanese Lesson: A year in Japanese school Through the eyes Of American Anthropologists and her children.